

باین معنی که اولاً ( بعکس آنچه پنداشته اند ) تنزیل مجاز و تأویل حقیقت است ثانیاً این حقیقت و مجاز خارج از مرحله دلیل و عین مصداق میباشد .  
 چنانکه تنزیل خود نشأ مجاز ( خلق زمانی ) تأویل = خود عالم حقیقت ( امر سرمدی ) می باشد .  
 در اینجا نظر بمطالاب گذشته = خاصه مبحث « عالم امر و نشأ خلق » بنمایید تا نیک بر شما محقق گردد که « عالم امر ( مجردات علوی ) لوح محفوظ و حقایق نابتة یا آیات محکّمات و ام الکتاب هستند ، و نشأ خلق ( مقیدات سفلی ) لوح محو و اثبات و رقائق نابتة یا آیات متشابه و فصل الخطاب میباشد !!  
 و چون دانستید که نشأ خلق ( ناسوت ) ؛ لیلۃ تنزیل و عالم امر ( لاهوت ) یوم تأویل می باشد .  
 این راز نیز بر شما فاش خواهد شد که لیلۃ القدر ( زمانی ) بر محور یوم القیمه ( سرمدی ) میگردد .  
 پس اینکه آیه شریفه در باب تأویل آیات - از ماسوای حضرت احدیت نفی علم مینماید - مراد علم اشراقی و احاطة قیومی ذات بگانه است نه مطلق علم زبرا صاحبان هستة انسانی نیز در مقام خلیفة الهی ( و عین الهی ) از رموز اشیاء آگاه می باشند = چنانکه در ذیل آیه اشاره شده که :  
 « و ما یذکر الا الو الالباب »  
 در این مشهد که به غیب و شهود امر و خلق آگاه میشوید متوجه این نکته نیز باشید که =  
 حقائق امری ککتب آسمانی ( یعنی اصول و معارف ) که ریشه شجره طیبه ( جلوه الهیه ) میباشد پیوسته نابت است ، لکن رقائق خلقی ( که فروع و احکام ) و شاخه های این شجره است - همواره نابت نمیشد .  
 ( و همین نحو است که مانع از نسخ و زوال حکم میگردد = سر وجوب تقلید از حی و منع تقلید از میت نیز همین امر است . ح - ق )  
 « مثل کلمة طیبه = کشجرة طیبه اصلها نابت و فرعها فی السماء توتی اکلها

کل حین باذن ربها ... ۱۱ «... استخرجاته من آیه مبارکه...»  
 پس اینکه اصحاب فتنه این آیه مبارکه همچنان آیه شریفه  
 «لکل اجل کتاب» بمعولله ما یشاء و یثبت و عنده ام الكتاب را دلیل  
 استمرار نسخ شرایع می‌شمارند تا رواست زیرا - معج و اثبات (تغییر صورت حکم)  
 خود سر ابقای سنن الهی و بقای شرع است نه دلیل زوال آن.  
 پس بر حاکم شرع فرض است که پیوسته در باب استخراج احکام که از ناحیه  
 معصوم بعهدۀ ایشان محول شده که «انما علینا ان نلقى علیکم الاصول و علیکم ان  
 تفرعوا» تناسب حکم را با محیط (که شرط طبیعی اجرای آن میباشد) رعایت فرمایند  
 و این دستور امام همام (جعفر ابن محمد الصادق (ع) خود از کتاب ملک‌الاعلام  
 متخذ است آنجا که بمنظور خلود دین پارلمان مذهبی تشکیل داده می‌فرماید -  
 «و شاورهم فی الامر»  
 چه مسلم است که اصل امر که وضع قانون باشد به شوری ربطی ندارد (زیرا  
 وحی آسمانی است) پس بدیهی است آنچه شورای مذهبی نیز تواند در آن دخالت  
 نماید امر فرعی خواهد بود که در درجه اول استخراج جزئیات احکام متناسب با زمان  
 و محیط و در درجه دوم حسن اجرای آن میباشد.  
 با این فرق که در عصر شخص نبی (ص) استخراج جزئیات احکام نیز محتاج به  
 مشورت نمیباشد چیزیکه هست حضرت رسالت پناهی راجع به اجرای قانون از عقول  
 عرضیه اشخاص (که شاخ و برگهای شجره طیبیه رسالت و آیات کتاب انفس میباشند  
 استمداد می‌فرمایند.  
 و این تمهید آسمانی بوسیله پیامبر گرامی تمرینی است برای نگهداری دین در  
 اعصار بعد از نبی (ص)؛ زیرا با حسن تدبیر این پارلمان مذهبی همیشه دین مبین  
 تازه مانده؛ جهان پسند و قابل اجرا خواهد بود.  
 این نکته را نیز یاد آور شویم که همینکه گفتیم «عقول عرضیه اشخاص شاخ و  
 برگهای شجره طیبیه رسالت میباشند» - سر حدیث شریف نبوی «لانجتمع اعنی علی  
 الخطا» و «بدالله مع الجماعة» میباشند.